

بررسی نقش عملکرد قطر و ترکیه در جنگ اخیر غزه

دکتر جعفر حق پناه^۱ - اعظم سلامتی^۲ - مهدیه حیدری^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۱۶ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۲/۲۰

چکیده:

جنگ سوم غزه، واکنش‌های منطقه‌ای و حمایت‌های مساعدی را از سوی قدرت‌های با نفوذ منطقه‌ای به دنبال داشت. همگرایی ترکیه و قطر در مسائل مختلف منطقه‌ای از جمله فلسطین در قالب گرایش‌های اخوانی آنها قابل بررسی است. در این نوشتار به این پرسش پرداخته می‌شود که قطر و ترکیه در حمایت از مقاومت فلسطین چه نقشی در جنگ اخیر غزه ایفا کرده‌اند؟ در باب این سوال چنین استدلال می‌شود که هر چند ترکیه و قطر سعی در حل مناقشه و ارائه آتش بس داشتند ولیکن در راستای اهداف استراتژیک خود در کنار اسرائیل و آمریکا و تنها با اتخاذ سیاست اعلانی در قالب اهداف تاکتیکی قدم برداشتند و از این بحران برای عملیاتی کردن سیاست‌های خود جهت تبدیل شدن به یک بازیگر مهم منطقه‌ای و بین‌المللی استفاده کرده‌اند.

واژگان کلیدی: قطر، ترکیه، جنگ سوم غزه، مقاومت فلسطین، سیاست‌های اعلانی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

- ستادیار و عضو هیئت علمی، دانشکده علوم سیاسی، علامه طباطبایی، تهران
Haghpanah2000@yahoo.com

- دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین الملل، دانشکده علوم سیاسی، علامه طباطبایی، تهران
Akram.akrami1357@gmail.com

- دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین الملل، دانشکده علوم سیاسی، علامه طباطبایی، تهران
m.heydari2010@yahoo.com

مقدمه:

جنگی که اسرائیل علیه غزه به راه انداخت، سومین رویارویی نظامی است که بین رژیم صهیونیستی و جنبش‌های مقاومت اسلامی در نوار غزه از زمان به قدرت رسیدن حماس در جولای ۲۰۰۷ شعله ور شده است. این جنگ پس از آن آغاز شد که تحولات بزرگی در محیط منطقه‌ای غزه رخ داد که با شرایط جنگ ۸ روزه که اسرائیل در نوامبر ۲۰۱۲ علیه این باریکه به راه انداخت، تفاوت داشت. در این میان کشورهای با نفوذ منطقه که دارای روابط نزدیکی با یکی از طرفین منازعه بوده و از طرف دیگر به دنبال نمایش و گسترش قدرت و نفوذ خود در عرصه بین‌المللی هستند به ارائه طرح‌هایی برای پایان بخشیدن به این منازعه پرداختند. اساساً تمایل کشورها به میانجیگری می‌تواند از دو بعد توسعه طلبانه و دفاعی برخوردار باشد. از یک طرف آنها می‌کوشند نفوذ خود را در منطقه‌ای که اختلاف در آن بروز کرده است، افزایش دهند و از طرف دیگر نگران افزایش قدرت دیگر در همین منطقه هستند. ترکیه از زمان روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه از سال ۲۰۰۲ تا به امروز حمایت‌های تقریباً مساعدی از جریان مقاومت مردم غزه به اجرا درآورده است مساله فلسطین در طول زمان به یکی از مولفه‌های تشکیل دهنده هدف جمعی ترکیه تبدیل شده است. در بحران اخیر غزه نیز به دلیل نفوذ مستقیم ترکیه روی هر دو طرف درگیر در بحران، این کشور طرح عملی آتش بس فوری را برای میانجیگری به همراه قطر از همان روزهای اول تجاوز ارائه داد. قطر نیز در ادامه سیاست‌های فعال منطقه‌ای خود برای مداخله و میانجیگری در بحران‌های منطقه‌ای و با استفاده از قدرت نرم افزاری خود (شبکه الجزیره) به مانور رسانه‌ای بر سر بحران غزه و حمایت سیاسی و مالی و نظامی از حماس پرداخت تا به زعم خود رهبری بخشی از جبهه مقاومت را از آن خود کند. در این نوشتار به این پرسش پرداخته می‌شود که قطر و ترکیه در حمایت از مقاومت فلسطین چه نقشی در جنگ اخیر غزه ایفا کرده اند؟ پاسخ موقتی که می‌توان به این سوال داد این که ترکیه متحد استراتژیک اسرائیل در منطقه خاورمیانه و قطر نیز که دارای بیشترین پایگاه‌های امریکا در منطقه است در

جریان اخیر جنگ غزه در قالب سیاست‌های اعلانی که در راستای اهداف تاکتیکی می‌باشد از این بحران برای عملیاتی کردن سیاست‌های خود جهت تبدیل شدن به یک بازیگر مهم منطقه‌ای و بین‌المللی استفاده کرده‌اند. بنابراین برای درک عملکرد ترکیه و قطر در جنگ اخیر غزه ابتدا به ارائه چارچوبی نظری که بتواند سیاست منطقه‌ای این دو را تحلیل کند می‌پردازیم سپس اهداف استراتژیک و تاکتیکی قطر و ترکیه را در قضیه فلسطین و اسراییل (اعم از آشتی ملی و مذاکرات سازش و...) راتبیین می‌کنیم و در ادامه به عملکرد ترکیه و قطر در قالب سیاست‌های اعلانی پرداخته می‌شود و در پایان به این موضوع پرداخته می‌شود که سیاست‌های اعلانی ترکیه و قطر در راستای کدام اهداف استراتژیکی و تاکتیکی دنبال می‌شود.

چارچوب نظری:

تجربه دولت‌ها از تهدیدات و فرصت‌ها که در عرصه خارجی با آن روبرو هستند، در پی ریزی و قوام یابی سیاست خارجی دولت‌ها نقش بنیادی دارند، هانس جی مورگنتا، از معماران بنام مکتب رئالیسم در روابط بین‌الملل، استدلال می‌کند که دولت‌ها در سیاست خارجی تابع منافع ملی خویش هستند با توجه به اینکه کسب این منافع تابع قدرت ملی است، سیاست بین‌الملل به صورت عرصه مبارزه بر سر قدرت شکل یافته است، قلمرو سرزمینی، سیستم سیاسی و فرهنگ، اجزایی از منافع ملی هستند. در راس همه مصادیق منافع ملی، بقای دولت ملی قرار دارد که کلیدی ترین هدف در سیاست خارجی است، در صورتی که دولت ملی جای خود را به واحد یا سازمان دیگری دهد حفاظت از بقای سازمان جدید به اولویت سیاست خارجی تبدیل خواهد شد. (مورگنتا، ۱۳۷۱: ۱۷۳)

به تبع رشد مکتب رئالیسم در مطالعات روابط بین‌الملل به خصوص سال‌های بین اواخر دهه ۱۹۳۰ تا اواخر دهه ۱۹۷۰ که رئالیزم کلاسیک غالب بود، امنیت ملی به مثابه کلیدی ترین متغیر موثر بر سیاست خارجی دولت‌ها شناخته شد. مفهوم امنیت ملی که در سال‌های پس از پایان جنگ جهانی دوم باب شد، توصیف کننده حوزه‌ای از سیاست عمومی بوده که معطوف به صیانت از استقلال و آزادی عمل دولت است. مهمترین

ابزارهای لازم برای پیگیری تامین هدف عبارت از: نیروهای مسلح، دستگاه دیپلماسی، کارگزاری‌ها و دستگاه‌های اطلاعاتی است. حملات و تجاوزهای نظامی سایر کشورها عمده‌ترین تهدیدات علیه امنیت ملی تلقی می‌شوند و در برابر آن، نیروی نظامی و توانایی جنگ موثرترین ابزار مهار تهدیدات یا تامین امنیت ملی به حساب می‌آیند، آنچه باید ایمن و امن بماند و هدف نهایی سیاست امنیت ملی محسوب می‌شود، کشور یا همان دولت - ملت است. (سیف زاده، ۱۳۸۳: ۱۶۳)

براساس مکتب رئالیسم، ترکیه براساس منافع ملی خود، اسرائیل را متحد استراتژیک خود می‌داند و همکاری‌های نظامی و سیاسی و اقتصادی وسیعی را با اسرائیل داشته است. قطر نیز در محدوده جغرافیایی خود پایگاه‌های وسیعی را در اختیار آمریکا گذاشته است و در جریان بحران اخیر غزه قطر و ترکیه ضمن حمایت از محور اخوانی جبهه مقاومت سعی در اعمال نفوذ در سطح منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای و مطرح شدن در سطح بین‌المللی هستند. رهبران ترک براساس استراتژی سیاست خارجی ترکیه و دیدگاه احمد داود اوغلو نگاهی نوین به مسئله فلسطین داشته و تلاش کرده‌اند جایگاه فلسطین را در سیاست خارجی خود افزایش دهند. در این بین ترک‌ها اکنون با دو هدف «نگاه به منافع ملی ترکیه» و «رویکرد ایدئولوژیک حزب عدالت و توسعه» نگاهی جدی‌تر به مسئله فلسطین داشته و تلاش می‌کنند با توجه به شرایط نوین منطقه‌ای و رخداد‌های سال‌های گذشته حضور پررنگ‌تری در مساله فلسطین داشته باشند. اکنون نیز ترک‌ها با درک فضای نوین منطقه‌ای خود از حضور پررنگ‌تر در مساله فلسطین اهداف سیاسی خود را دنبال می‌کنند. (حیدری، ۱۳۹۰: ۱۴۴) اردوغان در چارچوب کسب و حفظ و افزایش قدرت خود در ترکیه و منطقه است که سعی دارد از حملات و تجاوز اسرائیل به نوار غزه حداکثر بهره را ببرد و با کسب پرستیژ داخلی و بین جوامع مسلمان، آرای مردم مسلمان و معتقد ترکیه را به دست آورد. با اتخاذ این رویه هم توانست در انتخابات پیروز شود. افزایش قدرت نظامی و برقراری روابط نظامی با اسرائیل در منطقه خاورمیانه حکایت از واقع بینی سیاسی ترکیه در مقابله با سایر دول منطقه دارد. اتخاذ سیاست

خارجی شرق محور و غرب محور در سیاست خارجی ترکیه در قبال تحولات منطقه‌ای از جمله مسئله فلسطین به صورت تغییرات تاکتیکی قابل بررسی می‌باشد. (سلامتی، ۱۳۸۹: ۴۲) قطر و ترکیه در قبال جنگ اخیر غزه سیاست اعلانی و منفعلانه اتخاذ کردند چرا که هر دو همگرایی و منافع راهبردی با اسرائیل و آمریکا دارند.

- اهداف استراتژیکی و تاکتیکی ترکیه و قطر در قضیه فلسطین و اسرائیل (آشتی ملی، مذاکرات سازش)

نقش ترکیه

ترکیه از جمله مهم‌ترین کشورهای است که پس از انتخابات به صراحت از جنبش حماس حمایت کرده و از حق آن در اداره امور پس از پیروزی در انتخابات دفاع کرده است. ابومرزوق نقش ترکیه در مسئله آشتی ملی گروه‌های فلسطینی را مثبت و کارآمد ارزیابی کرده است و گفته "ما با داود اغلو وزیر امور خارجه ترکیه در دمشق دیدار کردیم و علاوه بر این، قرار بود وی با ابومازن نیز ملاقات کند و در کنار این، با وزیر خارجه مصر نیز که خواهان مشارکت ترکیه در تلاش‌های آشتی ملی است، دیدار کرد. وی افزود: ما مخالفتی با این اقدامات و ایفای نقش نداریم و به نظر من، دیدار داود اوغلو با ابومازن، محدوده ایفای نقش آنکارا را مشخص خواهد کرد" (www.farsnews.com, 1390/1/24) از همان زمان زمره‌های تشکیل دولت آشتی ملی طی جنگ ۸ روزه اسرائیل و فلسطین، ترکیه با دیدارهایی که با مقامات فلسطینی و سایر دول عربی داشته حمایت قاطع خود را از روند آشتی ملی میان گروه‌های فتح و حماس اعلام کرده است. در چند سال گذشته خاورمیانه شاهد افزایش نقش ترکیه در عرصه خاورمیانه بوده است و این نقش آفرینی همچنین در مسئله فلسطین و نگاه به حماس و دولت خودگردان نیز جلوه‌گر شده است. در واقع ترک‌ها با درک فضای نوین رقابت‌ها و بحران‌های منطقه‌ای در اندیشه حضور رو به افزایش در مساله فلسطین هستند. در این حال از یک سو با توجه به پیوندهای فکری حماس با حزب عدالت و توسعه که هر دو دارای ساختار و مبانی

مشترک فراوانی با دیگر گروه‌های اخوانی در منطقه بوده و ریشه‌ها و ساختارهای آن به گرایش کلی اخوان در منطقه نزدیک است. همچنین باید گفت هر دو حزب تقریباً بخشی از گروه بزرگ اخوان المسلمین در کشورهای اسلامی هستند. این بنیادها و ساختارهای مشترک حماس و حزب عدالت و توسعه همزمان با گسترش بحران در سوریه و همچنین بروز چالش‌هایی بین ترکیه با سوریه و ایران و نیز میان حماس با ایران و سوریه موجب گسترش همفکری‌ها و همکاری‌های حماس با ترکیه و رهبران حزب عدالت و توسعه شده است. (Lindenstrauss,2014,p8)

از سوی دیگر نیز پیوندهای سیاسی حماس با حزب عدالت و توسعه افزایش یافته است. با انقلاب‌های جهان عرب نوعی همسویی سیاسی بین اخوان المسلمین سوریه، حماس و حزب عدالت و توسعه شکل گرفته است. در این چارچوب با قدرت‌گیری منطقه‌ای جریان اخوان و پیدایش اختلاف نظرهای میان حماس با سوریه و ایران، کشورهای ترکیه، قطر و عربستان عملاً امتیازهای مالی و سیاسی ویژه‌ای را در اختیار حماس گذاشتند که به نوعی نیز به همکاری بیشتر حماس با ترکیه کمک کرده است به طوری که رهبران حماس حضور بیشتری در ترکیه یافتند. (Bavel,2012,p8)

توجه ترکیه به میانجی‌گری دو بعدی در فلسطین (روند آشتی ملی)

۱- میانجی‌گری و رفع اختلاف بین حماس و تشکیلات خودگردان: در سال‌های گذشته چالش‌های بسیاری بین گروه‌های فلسطینی خصوصاً میان فتح و حماس ایجاد شده بود. این اختلافات هم در چارچوب گفتگوهای فلسطینی- فلسطینی و هم در نوع نگرش به صلح با اسرائیل بوده است.

در این حال مجموعه تحولات منطقه و فاصله گرفتن حماس از سوریه و ایران و نزدیک شدن به مصر، ترکیه و قطر موجب شده است از سویی دامنه شکاف بین فتح و حماس در روند گفتگوهای فلسطینی کاهش یابد و از سوی دیگری نیز امیدآوری ترکیه و

متحدان غربی و نیز منطقه‌ای‌اش در وارد کردن حماس به گفتگوهای جدی‌تر و اساسی با فتح و سپس در میان مدت با اسرائیل بیشتر گردد. در این حال افزایش روابط میان ترکیه و حماس، سفرهای مقامات حماس به ترکیه و نگرش حماس به نقش ترکیه (قبلاً خالد مشعل رئیس سیاسی نهضت حماس طی گفتگویی تلفنی، از اردوغان به خاطر ایفای نقش ارزنده در فرایند صلح از وی قدردانی کرده بود) در ترغیب ترکیه به ایفای نقش میانجی‌گرانه نقش داشته است. (Toprak, 2009, p9) به علاوه با توجه به اینکه قبلاً محمود عباس به دنبال شناسایی موقعیت دولت فلسطین به عنوان ناظر غیر عضو در سازمان ملل متحد، نخستین سفرش را به عنوان رئیس دولت فلسطین به ترکیه انجام داد، در چهاردهم ماه آوریل سال ۲۰۱۳، سرکنسول ترکیه در قدس استوارنامه خود را تقدیم محمود عباس کرد شرایط میانجیگری ترکیه فراهم تر گشت. اکنون نیز با انتصاب نخستین سفیر ترکیه در فلسطین و همچنین سفر اخیر محمود عباس به ترکیه آنکارا امیدوار است با نفوذ متناسب خود در بین فتح، تشکیلات خودگردان و حماس زمینه‌های آشتی و همگرایی بین دو جنبش عمده فلسطین را هموار کند.

با شروع جنگ سوم غزه، ترکیه نیز در کنار قطر در روند آشتی ملی میان گروه‌های فلسطینی دخالت کرد و به ایفای نقش پرداخت و طرح آتش بس فوری را اعلام کرد هر چند که این طرح از سوی گروه‌های فلسطینی مورد قبول واقع نشد. با شروع جنگ مصر طرح آتش بس فوری را اعلام کرد این طرح از سوی گروه‌های فلسطینی مورد قبول واقع شد. پس از عادی سازی روابط ترکیه و اسرائیل، آنکارا پیام‌هایی را به رام الله و غزه ارسال کرد که می‌تواند از نزدیکی خود به اسرائیل برای هموار ساختن روند آشتی ملی فلسطینیان و با موفقیت همراه کردن تلاش‌هایی که در این روند صورت می‌گیرد و همچنین دخالت برای رفع محاصره چندین ساله رژیم صهیونیستی علیه نوار غزه استفاده کند. (Keinon, 2013, p9)

۲- میانجیگری و رفع اختلاف بین فلسطین و اسرائیل: جنگ و فشارهای اسرائیل علیه غزه در اواخر سال ۲۰۰۸ و اوایل ۲۰۰۹ به توقف مذاکرات صلح خاورمیانه منجر شد.

مذاکراتی که زیر فشار دولت بوش بین دو دولت عباس و اولمرت آغاز شده بود. با این حال اکنون فضای مناسب‌تری برای احیای مذاکرات صلح به وجود آمده است. چرا که هم باراک اوباما به مذاکرات صلح اسرائیلی- فلسطینی به نحو متفاوتی نگریده و از مشکلات و رنج فلسطینی‌ها سخن گفته است و هم در دور دوم ریاست جمهوری خود تلاش کرده با رایزنی با رهبران منطقه‌ای ترکیه را بیش از پیش به میانجیگری میان فلسطینان و اسرائیل ترغیب کند. در این حال به نظر می‌رسد دولت جدید نتانیاهو هم انعطاف‌های بیشتری نسبت به قبل دارد. در این شرایط اکنون نیز ترک‌ها پس از عذرخواهی و تلاش برای پرداخت غرامت توسط اسرائیلی‌ها، روابط سیاسی و دیپلماتیک خود با تلاویو را ارتقا کرده‌اند. در این بین باید در نظر داشت نوع حمایت امریکا از نقش رهبری گونه ترکیه در منطقه و همچنین میانجی‌گری واشنگتن در عادی‌سازی روابط ترکیه با اسرائیل ترک‌ها اینک برآند که با انجام گفتگوهای با طرف فلسطینی و همچنین اسرائیلی گام‌هایی در راه صلح فلسطینی- اسرائیلی بردارند. این امر در حالی است که این رویکرد با حمایت‌های گسترده امریکا و همچنین دولت‌های عربی منطقه روبرو است. (with out name, 2009, p5) گذشته از استقرار سامانه دفاع موشکی و پاتریوت‌ها عملاً حجم روابط اقتصادی و سیاسی ترکیه با غرب افزایش یافته است و دولت اردوغان نیز تمایلات بیشتری با افزایش همه‌جانبه روابط با اروپا و امریکا داشته است. همچنین اکنون بحران سوریه موجب شده است منافع ترکیه و کشورهای عربی متحد غرب و غربی‌ها از جمله آمریکا در همگرایی بیشتری قرار گیرد و نقش میانجیگرانه و حتی رهبرگونه ترکیه در منطقه مورد پذیرش بیشتری از سوی اروپا، ناتو و حتی اسرائیل قرار گیرد. اما در این بین هر چند ترک‌ها تلاش می‌کنند در مساله فلسطین و میانجیگری بین جنبش‌های حماس، دولت خودگردان و همچنین فلسطین و اسرائیل گام‌های مهمی بردارند، اما باید گفت چالش‌های فراوانی در این مسیر وجود دارد. چرا که جدا از حمایت‌های مالی و سیاسی از حماس هنوز در بدنه رهبران حماس مذاکره با عباس منوط به نوع روابط وی با اسرائیل بوده و حتی در صورتی که اردوغان شخصاً

محمود عباس را راضی به سفر به غزه کند، قهر شش ساله فتح و حماس نیازمند بستر سازی‌های دیگری است. جدا از این نیز هرگونه میانجیگری ترکیه در بین فلسطین و اسرائیل بسته به میزان نفوذ ترکیه بر اسرائیل، نوع امتیازات اسرائیلی‌ها، واگذاری حقوق فلسطینی‌ها، حل مشکل آوارگان، مسئله مرزها و وضعیت تقسیم آب و... است. (Yildirim,2010,pp12-13)

نقش قطر

قطر در قالب گرایش‌های اخوانی در زمینه مذاکرات صلح پیشنهاد طرح مبادله زمین به زمین را داده است. دولت حماس از پیشنهاد طرح مبادله زمین با زمین به طرف‌های امریکایی و اسرائیلی از سوی قطر به شدت انتقاد کرد. این طرح طی سفر حمد بن جاسم آل ثانی به همراه وزراء و روسای خارجی کشورهای عربی به واشنگتن ارائه شد. در این طرح قطر اعلام کرد که اعراب حاضرند در معاهده طرح صلح عربی تغییرات "کوچکی" اعمال کنند و از مرزهای ۱۹۶۷ گذشته و به جای آن زمین‌های دیگری را از اسرائیل بگیرند. اظهاراتی که در حضور ریاض المالکی، وزیر امور خارجه حکومت خودگردان فلسطینی بیان شد. این عقب نشینی در راستای فشار قطر به جامعه غربی به ویژه واشنگتن با هدف دخالت نظامی آنها در سوریه برای سرنگونی حکومت بشار اسد، رئیس جمهوری سوریه می‌باشد.

به دنبال این اقدام جریان‌های فلسطینی معتقدند که این مساله باعث می‌شود تا اسرائیل برای ادامه شهرک سازی‌هایش در سرزمین‌های اشغالی بهانه قانونی داشته باشد و علاوه بر آن به این رژیم کمک می‌کند تا به پاکسازی‌های خود در بیت المقدس سرعت دهد و فورا آن را به پایتخت خود تبدیل کند. این امتیازدهی به اسرائیل منجر می‌شود که اسرائیل چیزی را که حشش نیست به زور بگیرد. رهبران قطر تلاش بسیاری می‌کنند که بتوانند حماس را به دادن امتیازهای دردآور مطابق با نظر امریکایی‌ها راضی کنند تا بتواند به این ترتیب به مصالح خود در منطقه برسند، به ویژه بعد از این که رهبران

اخوان در مصر و تونس به قدرت رسیدند. (www.diplomasi irani.com,1392/3/18) محمود عباس رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین در طی سفر خود به دوحه مسائل زیر را محور مذاکرات خود قرار داد. یکی مذاکرات شکست خورده تشکیلات خودگردان با اسرائیل و دیگری روابط تشکیلات خودگردان با جنبش مقاومت اسلامی حماس بود. برای پایان دادن به جنگ امیر قطر از مذاکرات آتش بس قاهره حمایت کرد. محور بحث امیر قطر و هیات تشکیلات خودگردان فلسطین در مسائل ذیل خلاصه می‌شود:

۱- شکست مذاکرات در خصوص مرزهای سال ۱۹۶۷ در بازه زمانی بیست ساله ۲- موافقت با طرح آمریکا در خصوص از سرگیری مذاکرات به مدت ۹ ماه ۳- ادامه روند شهرک سازی اسرائیل

عملکرد قطر و ترکیه در قالب سیاست‌های اعلانی

ترکیه

از زمان حمله اسرائیل به نوار غزه، نقض قوانین بین‌المللی و جنگی، نقض آتش بس‌های اعلام شده، رسانه‌های جهانی و مردم کشورهای مختلف واکنش‌های گوناگونی به این امر داشته‌اند. در این میان کمتر دولت و ملتی چون ترکیه داعیه مخالفت با اسرائیل را داشته است. این ادعا تا جایی پیش رفت که رجب طیب اردوغان، نخست وزیر سابق ترکیه و رئیس جمهور فعلی ترکیه در هر فرصتی با محکوم کردن اعمال اسرائیل، حمایت از غزه را "مسئولیت تاریخی" ترکیه خواند. رویکردهای مختلفی نسبت به سیاست‌های اعلانی و اعمالی ترکیه نسبت به مساله دوگانه فلسطین- اسرائیل وجود دارد. در این میان گروهی با ظاهرسازی خواندن سیاست‌های ترکیه، وی را به ریاکاری و حمایت مخفیانه از اسرائیلی که آن را متحد استراتژیک ترکیه می‌خوانند به نقد ترکیه می‌پردازند و حتی تحویل کمک‌های بشردوستانه ترکیه به اسرائیل را اقدامی نشان دهنده ماهیت واقعی رفتار ترکیه می‌دانند. گروهی نیز با تکیه بر داده‌های تاریخی و سیاست‌های حزب عدالت

و توسعه، حمایت ترکیه از فلسطین را سیاستی عملگرایانه و در راستای راهبرد نوعثمانی گرایانه آن تحلیل می‌کنند. رجب طیب اردوغان و ترکیه بخاطر اینکه قصد دارد از بحران‌ها برای عملیاتی کردن سیاست‌های خود جهت تبدیل به یک بازیگر مهم بین‌المللی استفاده نمایند تلاش می‌نمایند با استفاده از حداکثر سازی منافع عینی، مادی و معنوی با استفاده از سه الگوی ترکیبی سکولاریسم، دمکراسی و اسلام به مهندسی افکار عمومی در جهان عرب بپردازد. (Balousha,2014,p6) همزمان با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه، سال ۲۰۰۲ به نقطه چرخشی در سیاست عربی (و نه خاورمیانه‌ای) ترکیه تبدیل شد. این تغییر پیش از هر چیز در نتیجه سیاست خارجی جدیدی بود که احمد داووداوغلو، نخست در مقام مشاور ارشد نخست وزیر در سال ۲۰۰۲ و سپس در مقام وزیر امور خارجه در سال ۲۰۰۹ در قالب رویکرد عمق استراتژیک صورتبندی کرد. داوود اوغلو معتقد بود واقعیت‌های تاریخی و جغرافیایی ترکیه را ناگزیر از داشتن سیاست خاورمیانه‌ای موثر می‌کند. وی توانست مجموعه حاکم را نیز در این زمینه قانع کند.

از این رو سیاست‌هایی چون مشکلات صفر با همسایگان، دیپلماسی چندجانبه، تعامل با تمامی طرفین امور (دیپلماسی خرد و کلان) را به عنوان پیش شرط‌های سیاست راهبردی موفق در پیش گرفت. در همین دوره ظهور مسائلی چون عراق، فلسطین و لبنان و ترس از سرریزی منطقه‌ای آن بستر مناسب برای اعمال سیاست‌های یادشده را در اختیار ترکیه قرار داد. ترکیه از یک سو افزایش روابط سیاسی و اقتصادی را در دستور کار قرار داشت و از سوی دیگر می‌کوشید تا به عنوان میانجی بحران‌ها و اختلافات منطقه‌ای ظهور کند. در این راستا ترکیه سعی در ایجاد زبان گفتمانی جدیدی کرد که بتواند روحیه ملت عرب را تحت تاثیر قرار داده و با محبوبیت و مشروعیت سازی به یک کنشگر مهم منطقه ای در میان اعراب تبدیل شود. در سطح جهانی نیز ظهور ترکیه به عنوان یکی از رهبران پروژه خاورمیانه بزرگ به ویژه از سال ۲۰۰۵ به بعد حمایت گسترده تر آمریکا و غرب را برای نقش آفرینی در خاورمیانه به دست آورد؛ در عین حال

که بحث از تبدیل ترکیه به الگوی منطقه‌ای بسیار گرم شده بود. (Khoury, 2013,p11) در این بازه زمانی تا پیش از بهار عربی ترکیه چندبار در رویارویی با غرب و امریکا قرار گرفت اما تا پیش از اینکه اتحاد استراتژیک ترکیه با امریکا دچار عدم توازن شود بهار عربی بار دیگر این کنشگران را در کنار یکدیگر قرار داد. این مساله نشان داد که نگاه به شرق هر چند در سیاست خارجی ترکیه جای داشته است ولی به تغییر محوری نخواهد انجامید. مساله فلسطین در این دوره یکی از موضوعاتی بود که تمایل و اراده ترکیه برای نقش آفرینی منطقه‌ای و بین‌المللی را نشان می‌داد. تا سال‌های نخست حکومت حزب عدالت و توسعه، ترکیه سیاست موازنه را در تعامل با اسرائیل در نظر داشت. اما افزایش خشونت اسرائیل باعث شد تا به تدریج موازنه در سطح سیاسی و دیپلماتیک به نفع فلسطین تغییر کند. در همین دوره رویکرد خاص ترکیه در رابطه با جهان عرب و فلسطین در کنار رویاروی‌های گاه به گاه آنکارا با غرب و اسرائیل باعث شد تا تصویری که از ترکیه جدید در بین الازدهان اعراب جای می‌گرفت دوست و حامی باشد. ماجرای نشست داووس نیز ترکیه را در نزد عموم محبوب کرد. اعتبار و نقش آفرینی ترکیه در کوتاه مدت چنان شد که وقتی در خیابان‌های غزه قدم می‌زدید متوجه تفاوتش با ترکیه نمی‌شدید. مغازه‌ها با کالاهای ترک پر بود و بر سر هر خانه‌ای پرچم ترکیه افراشته شده بود، اسم اردوغان (با وجود اینکه حتی نامی عرب نیست) در لیست نام‌های محبوب قرار گرفت و ترکیه به عنوان خدمتگزار واقعی دنیای اسلام جوایز بسیاری از کشورها را دریافت کرد. به عبارت دیگر اردوغان نیز استراتژی خیابان‌های عربی را در پیش گرفته بود. بدین ترتیب در مارس ۲۰۱۰ اردوغان در دیداری از عربستان جایزه بین‌المللی خدمات اسلامی بنیاد ملک فیصل، در نوامبر ۲۰۱۰ در دیدار از لیبی جایزه بین‌المللی حقوق بشر قذافی را دریافت کرد و در ژانویه ۲۰۱۱ اردوغان به عنوان شخصیت ممتاز جهان اسلام، جایزه بین‌المللی امور خیریه شیخ فهد آل احمد را از آن خود کرد. (بی‌نام، ۱۳۹۰:۷)

گذشته از ماهیت جوایز و کشورهای میزبان این نخستین بار در تاریخ جمهوری ترکیه بود که این کشور به کنشگری محبوب و معتبر در میان ملت و دولت‌های عربی (نه لزوماً اسلامی) تبدیل می‌شد.

به این ترتیب ترکیه نخستین بار در تاریخ سیاست خارجی خود کوشید با همه کنشگران درگیر در بحران فلسطین رابطه برقرار کرده و نقش مثبتی در حل اختلافات ایفا کند و جهان برای نخستین بار شاهد برقراری روابط اقتصادی، تجاری، نظامی، سیاسی ترکیه با کرانه غزه و میلیون‌ها دلار کمک‌های نقدی و غیرنقدی بلاعوض ترکیه به فلسطین شد که تا پیش از سال ۲۰۰۶ جایگاهی در سیاست خارجی ترکیه نداشت. با این وجود در جریان انتفاضه دوم با اینکه اردوغان بلافاصله بعد از آغاز تهاجمات اسرائیل به فلسطین، سفری منطقه‌ای برای دیدار با سران سوریه، اردن، مصر و عربستان برای حل مساله و نقش آفرینی داشت و تا ۱۸ ژانویه ۲۰۰۹ که به صلحی موقت رسیده باشند دست از تلاش برداشت، عدم واگذاری نقشی جدی و مستقیم از سوی کشورهای عربی چون مصر به ترکیه برای ایفای نقش در مذاکرات صلحی که از سال ۲۰۰۶ در جریان بود مرزهای نفوذ و نقش آفرینی سیاسی ترکیه در میان را به رخ او کشید. (mashreg news) تهاجمات اخیر اسرائیل به غزه بار دیگر فضای رسانه‌ای این کشور و دستورکار سیاست داخلی و خارجی آن را تحت تاثیر قرار داده است. ترکیه در رابطه با فلسطین و بهار عربی نشان داد که با وجود شهرتش به عملگرایی و فرصت طلبی گاهی سیاست‌های اقتصادی خود را قربانی ملاحظات دموکراتیک می‌کند. برای نمونه مخالفت با اسرائیل، همکاری ترکیه - اسرائیل در حوزه گاز طبیعی را به خطر انداخته است. این زیان دو جانبه البته متوجه اسرائیل نیز می‌شود که تنها شریک پایدار و مناسب را برای صادرات گاز ۶۲۰ میلیارد مترمکعبی اش در منطقه از دست می‌دهد. (Schweitzer,2014,p7)

نگاهی به رسانه‌های ترکیه نشان می‌دهد که ترکیه خود را تنها کشور و ملت حامی فلسطین در منطقه و جهان می‌داند و برای دنیای بشری که چشم بر جنایات در فلسطین بسته‌اند اظهار تاسف می‌کند. از سوی دیگر رسانه‌های منطقه‌ای غیر عرب، ایران

را به عنوان یگانه حامی پایدار فلسطین می‌دانند و ترکیه را به دلیل فرصت طلبی و ریاکاری مورد انتقاد قرار می‌دهند. برخی معتقدند ترکیه به بحران‌ها خاورمیانه‌ای تنها به عنوان فرصتی برای عرض اندام سود می‌جوید و ترکیه را به این دلیل که روابط استراتژیک با اسرائیل دارد ولی در عین حال سنگ فلسطین را به سینه می‌زند به عوام فریبی محکوم می‌کنند. در این میان اقداماتی چون تحویل کمک‌های بشردوستانه ترکیه به رژیم اسرائیل، اقدامی که در سال ۲۰۰۹ نیز اتفاق افتاده بود و نارضایتی عموم را در پی داشت خشم منتقدان را می‌افزاید به نحوی که حتی پس دادن مدال افتخار اردوغان به انجمن یهودیان امریکا به دنبال درخواست اعضای اپوزیسیون داخلی منجر به تغییر عقیده نمی‌شود. اردوغان که از زمان آغاز جنگ غزه رایزنی‌ها گسترده‌ای را برای اجرای آتش بس در این منطقه آغاز کرده بود، در این باره، ابراز داشت: «نسل کشی صورت گرفته به دست اسرائیل در نوار غزه یادآور نسل کشی آدولف هیتلر است. فرق بین کاری که نازی‌ها و هیتلر انجام دادند با کاری که اسرائیل هم اینک انجام می‌دهد چیست؟» وی همچنین کشورهای غربی تحت امر امریکا را به دلیل اتخاذ سیاست‌های دوگانه در قبال جرائم صورت گرفته در سراسر جهان محکوم کرد و از کشورهای غربی به دلیل سکوت اختیار کردن در رابطه با جرائم اسرائیل انتقاد کرد. (Friedman, 2013, p9)

قطر

امیر قطر که کشورش یکی از متهمان اصلی حمایت از اسرائیل در جنگ غزه است نیز در این باره هیچ واکنشی نداشته است و فعالیت‌های این کشور شامل گفت‌وگوی تلفنی امیر قطر و پادشاه عربستان بوده است. امیر قطر در گفتگو با حسن روحانی، رئیس‌جمهوری کشورمان نیز گفت: مقاومت فلسطین، از شرف خود دفاع می‌کند و هیچکس نمی‌تواند آن را منع کند. (www.mashreg news.com, 1392/5/9)

سفر شیخ حمد بن خلیفه آل ثانی به نوار غزه برای به افتتاح چندین پروژه صنعتی از سوی رسانه‌های عربی اعلام گردید. این سفر با حمایت‌ها و پوشش امنیتی رژیم صهیونیستی همراه بود. هفته نامه فلسطینی المنار قبل از این سفر اعلام کرد که نخست وزیر قطر حمد بن جاسم آل ثانی با مقامات رژیم صهیونیستی، بنیامین نتانیاهو دیدار داشته است. هر چند که ابعاد و اهداف این سفر از سوی رسانه‌های جمعی برای چندین روز مخفی ماند ولیکن با افزایش تهدیدات نظامی رژیم صهیونیستی علیه غزه و آغاز جنگ گسترده علیه این منطقه اهداف این سفر مشخص شد. نخست وزیر قطر در دیدار با عباس هنیه، نخست وزیر منتخب دولت فلسطین اعلام کرد در ازای دریافت کمک‌های اقتصادی و مالی از سوی قطر وی باید ائتلاف خود را با ایران که به زعم وی دشمن اسلام و مسلمین است متوقف کند. به نقل از شبکه المنار شرط‌های امیر قطر به شرح ذیل می‌باشد: ۱- توقف ائتلاف با ایران؛ ۲- آغاز مذاکرات با اسرائیل بدون پیش شرط؛ ۳- به رسمیت شناختن اسرائیل؛ ۴- به رسمیت شناختن قدس به عنوان پایتخت اسرائیل و عدم اصرار به بازگرداندن بخش شرقی آن؛ ۵- اعلام توقف مبارزات مسلحانه و وارد شدن در مسیر مذاکرات؛

این درخواست‌ها از سوی اسماعیل هنیه رد شد. قطر نیز کمک مالی خود را به غزه از ۶۰۰ میلیون دلار به ۳۵۰ میلیون دلار تقلیل داد. به دنبال ناکامی در این سفر، شیخ حمد ضمن هماهنگی با صهیونیست‌ها به رهبران حماس ساعت‌ها و خودکارهایی را اهدا کرد که دارای تجهیزات ارتباطی با ماهواره‌های اسرائیلی بوده که به کمک آن شناسایی مکان حضور این رهبر ان امکانپذیر می‌شد. (ترور "احمد الجعبری" از فرماندهان ارتش گردان قسام، شاخه نظامی جنبش مقاومت اسلامی (حماس) توسط جنگنده‌های اسرائیلی، به کمک همین تجهیزات صورت گرفت). هفته نامه فلسطینی المنار در افشای همکاری قطر و اسرائیل در شروع جنگ غزه اعلام نمود که تل آویو ۱۲ ساعت قبل از ترور الجعبری و آغاز حمله به غزه با امیر قطر و نخست وزیر این کشور تماس تلفنی برقرار کرد. طی این تماس موضوع آتش بس در نوار غزه بین دو طرف بررسی شد و دفتر

نتانیاهو از تلاش‌های قطر در این خصوص استقبال کرد و در عین حال تصمیم گرفت به منظور پشتیبانی، گذرگاه‌ها را باز کند و رئیس ستاد مشترک ارتش اسرائیل نیز در آموزش‌های نظامی مشارکت داشت.

به این ترتیب دولت قطر که واسطه عادی سازی روابط کشورهای عرب منطقه با رژیم صهیونیستی است بر خلاف تبلیغاتی که در حمایت از مردم مسلمان غزه دارد، یکی از مهمترین عوامل بین‌المللی حمله به نوار غزه و کشتار ده‌ها زن و کودک و شهروند فلسطینی است او که در مسیر تبدیل کردن خود به یک قدرت منطقه‌ای البته با تکیه بر قدرت‌های غربی و دلارهای نفتی هیچ مانعی را بر نمی‌تابد با هماهنگی کامل خود با طرح‌های آمریکایی و صهیونیستی نشان داد تا هر چه بیشتر بتواند اعتماد سران غرب را نسبت به خود جلب کند. (www.Fars news.com,1390/1/24)

سیاست‌های اعلانی ترکیه و قطر در راستای اهداف تاکتیکی یا استراتژیکی

در مورد رویکرد قطر در مورد رژیم صهیونیستی این نکته قابل توجه است که قطر رویکرد سازشکارانه را با رژیم صهیونیستی در پیش گرفته است. حضور امیر قطر در مراسم افتتاح شهرک صهیونیست نشین طرح قطر برای انتقال گاز به سرزمین‌های اشغالی و ... در این چارچوب بوده است. البته در این حال هیچ سند و مدرکی مبنی بر دایر بودن دفتر و یا سازمان رسمی رژیم صهیونیستی در قطر وجود ندارد و این کشور روابط خود را با رژیم صهیونیستی در جهت برقراری صلح و حل مساله فلسطین توجیه می‌کند.

قطر در غزه تلاش دارد تا چنان وانمود کند که از یک طرف نگاهی جامع به مساله فلسطین دارد و از سوی دیگر با تحرکات دو جانبه به دنبال برقراری روند صلح می‌باشد. نکته مهمی که در تحرکات قطر دیده می‌شود تحرکات اخیر در قبال حماس است که با ابهامات بسیاری همراه است. قطر اخیرا تحرکات مثبتی در قبال حماس داشته است از

آن جمله کمک ۴۵۰ میلیون دلاری برای بازسازی غزه؛ ارائه طرح انتقال حماس از سوریه به قطر، ارائه طرح حضور فعال حماس در روند سیاسی فلسطین و... از جمله این تحرکات است.

هر چند اقدامات گام‌های مثبتی در حمایت از حماس و فلسطین عنوان شده اما در ورای آن یک نکته قابل توجه است و آن تحرکات گسترده علیه سوریه توسط قطر است. سوریه‌ای که محور مقاومت می‌باشد حامی اصلی فلسطین است. قطر با رویکرد جذب حماس تلاش دارد تا آن را از سوریه جداساخته و حتی از آن در جهت مقابله با سوریه بهره برداری نماید. به عبارت دیگر هدف قطر حمایت از فلسطین و حماس نمی‌باشد بلکه توطئه علیه مقاومت است که در لوای حمایت صورت می‌گیرد. تحرکات قطر این ابهام را ایجاد کرده است که اگر این کشور واقعا به دنبال حمایت از فلسطین است باید از سیاست‌های خصمانه علیه سوریه دست برداشته و به حمایت از نظام سوریه بپردازد. آنچه که این موضوع را بیشتر آشکار می‌کند، حاکمیت قطر است که ایدئولوژی آن نزدیکی زیادی به سلفی‌گری دارد و در جهت حذف محور مقاومت تلاش خواهد کرد. (www.network Alalam1391/2/3) رویکرد قطر به مسئله فلسطین عمل گرایانه و به دور از آرمانگرایی است. این مسئله بدین مفهوم خواهد بود که برای دولت قطر آرمان فلسطین به عنوان آرمانی اسلامی و عربی اهمیت زیادی ندارد و تنها چیزی که باعث می‌شود رهبران قطر به برخی از اهداف و مطالبات فلسطینی‌ها توجه کنند و به وضعیت فلسطینی‌ها به ویژه در مواقع بحرانی واکنش نشان دهند، تأثیر سیاست‌ها و اقدامات دوحه در این زمینه بر افکار عمومی اسلامی و عربی منطقه و در نتیجه دگرگونی جایگاه این کشور در سطح منطقه‌ای است. (اسدی، ۱۳۹۱: ۷)

نتیجه گیری:

درپایان می‌توان گفت حماس بعد از کودتای ارتش در مصر دریافت که ترکیه، مصر و قطر روی هم رفته توان جبران کمک‌های مالی و نظامی ایران به محور مقاومت را ندارند

و اصولاً سیاست این کشورها تجهیز حماس نبوده و صرفاً به حمایت‌های سیاسی و نهایتاً کمک‌های مالی مقطعی محدود بوده است.

اردوغان در چارچوب همان سیاست کسب و افزایش قدرت خود در ترکیه و منطقه است که سعی دارد تا از تهاجم اسرائیل به مردم بی‌دفاع غزه، حداکثر بهره را برده و با این سخنان خود ضمن کسب پرستیژ داخلی و بین‌جوامع مسلمان، آرای مردم مسلمان و معتقد را به دست آورد.

به نظر می‌آید اردوغان و دولتش را باید یکی از علل مهم رویدادهای خسارت بار و نگران‌کننده جهان اسلام طی چند سال اخیر دانست. دولتی که موجب کشتار مسلمان شده و در پی تضعیف دولت‌ها و جنبش‌های ضد اسرائیلی بوده است. نکته مهم آن است که مسلمان منطقه و جهان اسلام باید از نیات و ماهیت واقعی اردوغان و دولت ترکیه، آگاه شده و فریب سخنان وی را نخورد، دولت‌ها و اشخاصی مانند اردوغان، آل سعود، ثانی و... بسیار خطرناک‌تر از اسرائیل و سران خونریز آن هستند تا حدی که بتوان مشکل جهان اسلام را چنین دولت‌ها و افرادی دانست که در خدمت اهداف آمریکا و اسرائیل هستند، دانست. قطر نیز در کنار ترکیه سعی در بهره‌برداری از تحولات اخیر فلسطین در راستای منافع ملی و مطرح شدن در سطح منطقه‌ای می‌باشد. ترکیه و قطر هر دو از متحدان استراتژیک آمریکا و اسرائیل در سطح منطقه هستند و تغییرات تاکتیکی این دو متحد اخوانی را باید در قبال تحولات فلسطین در راستای بهره‌برداری‌های سیاسی ارزیابی کرد.

منابع:

- سلامتی، اعظم (۱۳۸۹)، سیاست خارجی اسلامگرایان ترکیه، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی

- سیف زاده، حسین (۱۳۸۳)، اصول روابط بین‌الملل، تهران، انتشارات میزان

- مورگنتا، هانس جی، (۱۳۷۱)، ماهیت سیاست‌گذاری خارجی، ترجمه حسین سیف زاده، تهران، انتشارات قومس

مقالات

- اسدی، علی اکبر، (دی ماه ۱۳۹۱)، جایگاه فلسطین در سیاست خارجی قطر، فصلنامه مطالعات فلسطین، شماره ۱۸

- حیدری، محمد علی (تابستان ۱۳۹۰)، نوع‌ثمانی‌گرایی و سیاست خارجی خاورمیانه‌ای ترکیه، فصلنامه رهنامه سیاست‌گذاری، شماره ۲

- بی‌نام، (فروردین ۱۳۹۰)، ترکیه و مساله فلسطین، پژوهشکده تحقیقات راهبردی

خبرگزاری

- بی‌نام ۱۳۹۳/۶/۱۲، جزئیات نشست جنجالی خالد مشعل و محمود عباس در حضور امیر قطر، قابل دسترسی در:

[http:// www.rahe mobin.ir](http://www.rahe mobin.ir)

- بی‌نام (مرداد ۱۳۹۲)، رایزنی‌های مصری و قطری و ترکی برای به بار نشستن مسئله آشتی ملی فلسطین، قابل دسترسی در:

<http://www.noor news .ir>

- بی‌نام ۱۳۹۲/۳/۱۸، دست امیر قطر به خون کودکان فلسطینی آغشته شد، قابل دسترسی در:

<http://www.diplomasi irani .com>

- بی‌نام ۱۳۹۰/۱/۲۴، آشتی ملی در سایه بازداشت فعال حماس قابل تحقق نیست، قابل دسترسی در:

<http://www.Fars news .com>

- ژاله عبدی (۱۳۹۳/۶/۲)، چرا غزه برای ترکیه مهم است، قابل دسترسی در:

<http://www.mashregh news.com>

- گروه بین‌المللی مشرق نیوز (۱۳۹۲/۵/۹) حماس و خنجری که بر پشت مقاومت نشست، قابل دسترسی در:

<http://www.mashregh news .com>

منابع انگلیسی

-Balousha ,Hazem ,(April 2014), **Hamas celebrates AKP win in Turkish elections**,al-monitor

- Bavel , Zvi,(January 2012),**Turkey may provide Hamas with \$300 million in annual aid**, Haaretz

- Lindenstrauss ,Galli ,and Sufyan kadir kivam,(July2014)**Tukish Hamas relations:between strategic calculations and ideolog- ical affinity**”,Strategic assessment,Volume 17,No.2

-Keinon , Herb(October 2013),**Turkish Pm Erdogan hosts Increasingly Isolated Hamas leader Mashaal in Ankara,Jerusalem**- m post

-Khoury,Jack (March 2013),**Turkey pushing for Palestinian unity on heels of reconciliation with Israel**, Haaretz

-Toprak,Furkan ,(January 2009),**Turkey,s Hamas policy challenge an Early understanding**,Yakin Dou Haber

-Yildirim,Bulent,(February 2010),**experiencing systematic genocide in Gaza**,Anlayis

-With out name ,(January 2009),**Palestine to day is an openair prison**,Washington post

-Schweizer,Yoram (April 2014),**The erosion of the Israel Hamas ceas fire in Gaza**, INSS Insight, No 537

